

## امام خامنه ای ، در دیدار مداحان اهل بیت (ع): اگر قوی نباشیم حق ملت را می‌خورند

به مناسبت سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها جمعی از مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام صبح روز (چهارشنبه، 11 فروردین) با حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند.

### متن کامل بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مداحان اهل‌بیت(ع)

بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام

به مناسبت سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها جمعی از مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام صبح روز (چهارشنبه، 11 فروردین) با حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در این دیدار گفتند، بیان مباحث کاربردی از زندگی اهل‌بیت علیهم‌السلام را موجب عمق‌یابی و تأثیرگذاری بیشتر مداحی‌ها خواندند و با اشاره به استفاده‌ی مستمر دشمنان از همه‌ی ابزارها برای مقابله با ملت ایران و نظام اسلامی تأکید کردند: در روزگار پیچیده‌ی امروز و فردا، باید از همه‌ی ابزارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دفاعی، برای تقویت جایگاه ایران استفاده کنیم.

متن کامل بیانات معظم‌له به این شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد و آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین الهداة المهديین المعصومین. اللهم صل علی فاطمة و ابیها و بعلها و بنیها صلواتک و صلوات ملائکتک و اولیائک علیهم.

تبریک عرض میکنم روز عید مبارک را و تشکر میکنم از برادران عزیزی که برنامه اجرا کردند و جداً ما استفاده کردیم و لذت بردیم. این سرود آخر جلسه هم هر سال حُسن ختامی است برای این جلسه که جناب آقای سازگار این سرود را هر سال انشاء میکنند؛ امسال خیلی هم خوب اجرا شد؛ مضامین خوب، مفاهیم خوب، درس، تعلیم، تذکر.

در این جلسه که شما برادران عزیز حضور دارید -البته خواهان گرامی هم هستند- خطاب من بیشتر به شما برادرانی است که به افتخار مداحی و ذاکری سیدالشهداء (سلام‌الله‌علیه) و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) مفتخرید. الحمدلله کمیّت مدّاحان -بخصوص جوانان- در این عرصه کمیّت بسیار مطلوب و زیاد و خوبی است، کیفیت‌ها هم در بعضی از جاها واقعاً خوب است. این مسئله‌ی مداحی در کشور ما یک پدیده‌ای است؛ شبیه این را ما در هیچ جای دیگری نداریم. البته اختصاصات جامعه‌ی شیعه و چیزهای اختصاصی که در سایر جوامع اسلامی و غیر اسلامی نیست، متعدّد است؛ خود اصل عزاداری مثلاً یا اصل مصیبت‌خوانی برای اهل‌بیت (علیهم‌السلام) که معمولاً همراه است با موعظه و نصیحت و [بیان] معارف و مسائل روز و بیانات گوناگون و هرچه اقتضای هر زمانی می‌باشد، جزو اختصاصات شیعه است و از زمان ائمه (علیهم‌السلام) تا امروز ادامه داشته است؛ در جاهای دیگر نیست و خلّاش را احساس میکنند. خلّش را در جاهای دیگر احساس میکنند و سعی میکنند یک جوری پر کنند و نمیشود. لکن این پدیده‌ی مداحی و نغمه‌سرایی در باب مدح و مصیبت و مرثیه و ذکر و امثال اینها هم یکی از اختصاصات است؛ این هم جای دیگری نیست و به این شکل وجود ندارد؛ به این عمومیت و به این وسعت -چه وسعت از لحاظ کمیّت، چه وسعت از لحاظ معانی و مفاهیم و مانند اینها- نیست. این پدیده درخور کار علمی است؛ یعنی واقعاً جا دارد دانشجویان ما، اساتید ما، محققین ما بنشینند و روی این پدیده فکر کنند، کار کنند؛ هم تفسیر و تحلیل کنند، هم راه‌های علمی گسترش این را به ما نشان بدهند و یاد بدهند. ما در واقع دست‌کم گرفتیم این پدیده را؛ خیلی پدیده‌ی مهمی است. خب، ما بحمدالله این توفیق را داشتیم، این فرصت را داشتیم که در طول این سی‌وچند سال گذشته مثل امروز، هر سال این جلسه را با برادران مدّاح تشکیل دادیم. شاید در بین شما جمعیت، کسانی که عمرشان از عمر این جلسه کمتر است، کم نباشند. سی‌وچند سال است که این جلسه برقرار است. پس فرصت خوبی است برای اینکه راجع به این پدیده یک مقداری صحبت کنیم.

درباره‌ی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) -این را نه به‌عنوان اینکه آدم بخواهد جزو حرفهای متعارف و معمول که می‌زنند، بر زبان جاری کند- حقّاً و انصافاً ماها قاصریم، حقیرتر از آن هستیم که بخواهیم از آن مقام باعظمت سخن بگوییم؛ از حقیقت نوری آن بزرگوار و امثال ایشان از ائمه‌ی معصومین، زبان ماها، بیان ماها، فهم ماها کوتاه‌تر از این است که بتوانیم در این زمینه‌ها صحبت کنیم. حَلَقْكُمْ اللهُ انواراً فَجَعَلْكُمْ پَعْرشِهِ مُحدِّقین؛ (۲) قضیّه‌ی انوار ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) این است؛ دیگر حالا

ما چه میخواهیم بگوییم؟ لکن در زمینه سیره‌ی این بزرگواران و رفتارهای آنها و اسوه بودن آنها به‌عنوان یک بشر، چرا، حرف زیاد هست. خیلی حرفها را هم زده‌اند؛ بعضی از برادران هم در شعرهای امروزتان اشاره کردید. میدان هم برای حرف زدن زیاد است. در این زمینه چند جمله‌ای عرض میکنیم. ما باید راجع به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) از این نگاه دوّم، یعنی اسوه بودن و مثال بودن نگاه [کنیم]. خدای متعال در قرآن راجع به دو زن به‌عنوان اسوه‌ی مؤمنین و دو زن [به‌عنوان] نمونه‌ی کافرین - *ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّذَيْنِ ءَامَنُوا امْرَأَتِ فرعون، (۳) و بعد از یک آیه: وَ مَرِيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ (۴)* - مثال زده است و برای مؤمنین - نه برای زنهای مؤمن؛ مرد و زن - دو نمونه آورده است. با این نگاه میشود به این بزرگواران نگاه کرد به‌عنوان نمونه و از آنها درس گرفت. خب، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) صدیقه‌ی کبرا است در میان صدیقین و صدیقات، کبرا یعنی بزرگ‌ترین صدیقه است این بزرگوار.

حالا میخواهیم از ایشان درس بگیریم؛ زنها هم درس بگیرند، مردها هم درس بگیرند؛ همه -عالم و جاهل- درس بگیرند. ببینیم درباره‌ی این بزرگوار در کلمات ائمه‌ی معصومین، آنچه ذکر میشود از مداخل، چه چیزهایی است. در زیارت امام رضا (علیه السلام) وقتی نوبت به حضرت زهرا میرسد برای صلوات -آن زیارتی که سر تا پا صلوات است- [میگوید]: *اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰی فاطمة بنتِ نبیک؛ (۵)* این یک خصوصیت. خب، این خصوصیت خیلی مهمی است؛ البته قابل تأسی نیست؛ همه دختر پیغمبر میشوند؛ اما انتساب به پیغمبر به‌صورت دختر او، نشان‌دهنده‌ی رفعت مقام است. *وَ رُوْحَةٌ وَ لَیْکَ،* این هم دوّمی؛ البته این هم قابل دست‌گیری نیست و همه نمیتوانند زوج‌های ولیّ خدا بشوند؛ اما رفعت مقام، رفعت شأن و جاه و جلال این بزرگوار را نشان میدهد. *وَ اُمّ السَّیِّطِیْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سَیِّدِی شَبَابِ اهلِ الْجَنَّةِ؛* جنبه‌ی کاربردی این [خصوصیت]، بیشتر از آن دو صفت قبلی است؛ جنبه‌ی کاربردی تربیت سبطین. سبطینی که «سَیِّدِی شَبَابِ اهلِ الْجَنَّةِ» هستند، مادرشان این بزرگوار است؛ دامان پاکیزه‌ی این مادر است که توانسته اینها را تربیت بکند. این آن چیزی است که میتواند برای ما به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه مطرح بشود.

بعد، «*الطَّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ التَّقِیَّةَ الرَّضِیَّةَ الرَّکِیَّةَ*» (۶) که همه‌ی اینها کاربردی است؛ طهارت، با سه بیان که البته این سه بیان «طهر»، «طاهر»، و «مطهر» تفاوت‌هایی از لحاظ معنا با هم دارند. البته [هر] سه تعبیر اشاره‌ی به طهارت و پاکیزگی است: طهارت روح، طهارت دل، طهارت مغز، طهارت دامان، طهارت سرتاسر زندگی. خب این کاربردی است، این برای ما درس است؛ باید سعی کنیم خودمان را پاکیزه کنیم، باید تطهیر کنیم خودمان را؛ بدون طهارت باطن نمیشود به مقامات رسید؛ به حریم ولایت این بزرگوارها هم نمیشود رسید؛ طهارت باطن لازم است. طهارت باطن، با تقوا است، با ورع است، با ملاحظه است؛ ملاحظه‌ی دائمی و مراقبت دائمی از خود طهارت به‌وجود می‌آورد. خب البته انسان جایز‌الخطا است و ممکن است بر ما سیاهی‌هایی عارض بشود اما راه پاک کردن آن سیاهی‌ها را هم خدا به ما نشان داده، یاد داده: توبه، استغفار. استغفار کنیم؛ استغفار، یعنی عذرخواهی کردن؛ «استغفر الله»، یعنی خدایا عذر میخواهم، معذرت میخواهم. واقعاً، قلباً از ته دل از خدای متعال معذرت بخواهیم؛ این استغفار است، این پاک میکند آن سیاهی را و آن لکه را. خب، *الطَّهْرَةَ الطَّاهِرَةَ الْمُطَهَّرَةَ. التَّقِیَّةَ، همان تقوا؛ التَّقِیَّةَ، آن تفاوت و پاکیزگی باطنی و قلبی؛ اینها خصوصیات فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) است. ما اینها را بایستی به‌عنوان الگو، به‌عنوان اسوه، در نظر داشته باشیم و خودمان را به آن نزدیک کنیم. خب، حالا شما به‌عنوان مدّاح وقتی میخواهید راجع به فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) صحبت کنید، اینها را باید بگنجانید در بیاناتتان، در شعرتان، در مدیحه‌تان. بله، مقامات معنوی ائمه (علیهم‌السلام) و فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) وقتی گفته میشود، دل مستمع روشن میشود، وقتی که شما مقامات معنوی را میخوانید، دل انسان روشن میشود، حالت حضوری پیدا میکند، حالت خضوعی پیدا میکند، این خیلی خوب است، اینها به جای خود محفوظ و لازم است لکن کافی نیست. حالا که حالت حضور پیدا شد، حالا که دلتان روشن شد، باید درس بگیریم؛ درس در این جملات کاربردی است؛ یعنی بایستی کوشش بشود در هر منبری -چه در فاطمیّه، چه در عاشورا، چه در اوقات دیگر- درس از ائمه (علیهم‌السلام)، درس انسان شدن، درس کامل شدن، درس تقرب الی‌الله گنجانده بشود. ما باید درس بگیریم، یاد بگیریم. صرف محبت کافی نیست. البته محبت کارساز است اما کافی نیست، ولایت لازم است. ولایت یعنی*

تولی کردن، دنباله‌روی کردن، دست به دامن اینها زدن؛ راهی را که اینها رفته‌اند انسان آن راه را برود؛ این لازم است. این یک نکته است که به نظر بنده در کار مدّاحی -بخصوص گویندگان، به‌معنای شعرا- که شعر می‌سازند -مورد توجه باید قرار بگیرد: گاهی انسان مبیند که فضائی را ذکر میکنند که حالا در هیچ روایتی و در هیچ جمله‌ای از معصوم هم این فضیلت وجود ندارد [و درواقع] فضیلتی هم نیست. گفت: «آنکه بسنجید رُخت را به ماه ز اشتباه» در واقع از قیمت تو کاست؛ (۷) به ماه تشبیه کردن و به خورشید تشبیه کردن چیزهایی نیست که ارزشی برای آن مُشَبَّه به‌وجود بیاورد، آن هم مثل این بزرگوارانی که مقامات معنوی‌شان، مقامات الهی‌شان آن‌چنان است که چشم اهل معنا را خیره میکند، چه ماها که آن چشم را هم نداریم که بخواهیم بفهمیم. گاهی هم کلیاتی گفته میشود که از آن چیزی فهمیده نمیشود و مستمع استفاده‌ای نمیکند. پس من جمله‌ی اوّل به شما برادران عزیز این است که در مدح این بزرگواران -چه حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، چه ائمه‌ی هدا (علیهم‌السلام)- حتماً از مباحث کاربردی‌ای که در زندگی اینها هست استفاده بشود.

یک نکته‌ی دیگری که خوشبختانه امروز در جامعه‌ی مدّاح تا حدود زیادی رواج دارد، توجه به مسائل جاری روز است که خب امروز اینجا شنیدید در بخشهای مختلفی راجع به مدافعین حرم و مسائل جاری روز؛ اینها خیلی مسائل مهمی است، اینها مسائل اساسی‌ای است؛ نباید خیال کنیم که اینها از حیثه‌ی تدبیر ما خارج است. خب شما ببینید پیغمبر اکرم که سَیِّدِ خَلْقِ عَالَمِ است و برتر از این بزرگوار هیچ موجودی را خدای متعال نیافریده است و آورنده‌ی همین دین و همین اسلامی است که ما امروز مدّعی‌اش هستیم، در زمینه‌ی مسائل جاری سیاسی کشورش -همان کشوری که آن روز وجود داشت و کشور کوچکی بود- این

بزرگوار چقدر تلاش میکرد، چقدر زحمت میکشید. پیغمبر اکرم نمی‌نشست فقط احکام نماز و روزه و توجّه و عبادت و نماز شب را به مردم یاد بدهد؛ نه، در همین مسجد مردم را جمع میکرد، آنها را به جهاد دعوت میکرد، آنها را به وحدت دعوت میکرد، آنها را به آگاهی در مقابل دشمن دعوت میکرد؛ همین حرفهایی که امروز برای من و شما مطرح است. مسائل روز مسائلی نیست که بشود از آن صرف‌نظر کرد.

ببینید؛ یک نظامی در عالم وجود دارد: نظام استکبار، نظام زورگوئی، نظام ظلم؛ البته از قدیم هم همین نظامها بوده است، منتها امروز مدرن شده است، با تجهیزات نو مجهز شده. قدرتهای برتر به ملتها زور میگویند؛ [این] زور گفتن هم حد و اندازه‌ای ندارد؛ اگر اموالی دارند، می‌گی رند؛ اگر نیروی انسانی قابلی دارند، از آنها میدزدند؛ اگر استعدادی در آنها هست که آنها را تهدید می‌کند و رقیب برای آنها میتراشد، آن استعداد را خفه می‌کنند؛ زورگوئی انواع و اقسامی دارد.

امروز این زورگوئی در دنیا وجود دارد؛ نظام بین‌الملل جهانی که اسمش را گذاشته‌اند جامعه‌ی جهانی، یعنی نظام زورگویی؛ والا مراد از جامعه‌ی جهانی، دولتها و ملتهای دنیا که نیستند؛ دولتها و ملتهای دنیا بیزارند از شکل این چند قدرت برتر دنیا که خودشان را

می‌گویند جامعه‌ی جهانی. جامعه‌ی جهانی یعنی همین: افرادی که مبنای کارشان زورگویی به همه‌ی ملتها و همه‌ی کشورها و همه‌ی اینها است.

و ما که در جمهوری اسلامی هستیم، هم قبل از نظام جمهوری اسلامی در دوران رژیم طاغوت، نمونه‌هایش را یک‌جور دیده‌ایم، هم بعد از تشکیل نظام جمهوری اسلامی نمونه‌هایش را یک‌جور دیگر دیده‌ایم؛ یک نظامی امروز در دنیا به این شکل وجود دارد. این نظام ناراضی هم زیاد دارد؛ خیلی از ملتها ناراضی‌اند؛ منتها از ملتها که کاری بر نمی‌آید؛ صدای ملتها را کسی نمی‌شنود؛ نه رسانه به آن صورت در اختیارشان است، نه اصلاً [حرف آنها] جایی حساب می‌شود؛ حالا بگیرم مثلاً ده‌هزار نفر هم در یک واحد الکترونیکی مثلاً رسانه‌های الکترونیک و مانند اینها با هم جمع شدند و یک حرفی زدند، یا جمع شدند در خیابانها راه رفتند؛ حالا که چه؟ در قضیه‌ی حمله‌ی آمریکا به عراق در [کمتر از] پانزده شانزده سال قبل از این در همه‌ی این خیابانهای پاریس و بعضی کشورهای اروپایی دیگر، راهپیمایی راه افتاد در مخالفت با آمریکا؛ چه اثری کرد؟ ملتها به‌خودی‌خود که کاری نمی‌توانند انجام بدهند؛ دولتها هستند که اگرچنانچه پشتیبانی ملتهایشان را داشته باشند، میتوانند حرفی بزنند و این حرف در دنیا مطرح بشود؛ چنین دولتی هم در دنیا نیست؛ دولتهائی هستند [ولی] می‌ترسند؛ ناراضی‌اند [ولی]

می‌ترسند. من به‌نظرم در صحبت اول سال (۸) این را گفتم که رؤسای رژیم طاغوت هم خیلی اوقات از کارهای آمریکا ناراضی بودند. در خاطرات این بازماندگان‌شان که آدم نگاه

می‌کند، میبیند یک جاهائی خیلی هم ناراضی‌اند و در خلوت بدگوئی هم می‌کنند به آنها اما جرئت نمی‌کنند مخالفت کنند؛ به‌عنوان دولت، به‌عنوان واحد سیاسی و مدیریت جامعه جرئت نمی‌کنند.

امروز در دنیا این‌جوری است؛ خیلی‌ها ناراضی‌اند اما جرأت نمی‌کنند مخالفت کنند.

یک نظامی در دنیا، در این بلبشو، در این جنگل به‌هم‌ریخته‌ی به‌هم‌آمیخته و ظلم و زور، به وجود آمده است که یک پایه هائی دارد که این پایه‌ها درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که امروز نظام جهانی بر آن استوار است؛ نقطه‌ی مقابل ظلم است، نقطه‌ی مقابل استثمار است، نقطه‌ی مقابل جنگ‌طلبی است، نقطه‌ی مقابل فساد است؛ آن نظام، نظام جمهوری اسلامی است. این نظام براساس اسلام، براساس دین، براساس تفکرات اسلامی ناب به وجود آمده و یک جماعتی هم از اول در رأس این نظام قرار گرفتند که طبیعت اینها این است که از قدرتهای بزرگ نمی‌ترسند و آن روحانیونند.

این را خود تحلیل‌گرها و جامعه‌شناس‌های غربی، امروز می‌گویند؛ از اول انقلاب هم می‌گفتند؛ می‌گفتند این آخوندها

نمی‌ترسند از ما. [البته] بعضی‌هایشان ممکن است وابسته هم باشند و هستند، اما طبیعت نظام آخوندی در جامعه‌ی شیعه، یک چنین طبیعتی است. حالا اتفاقاً اینها در رأس این نظام قرار گرفته‌اند. مردم هم که همراهی می‌کنند.

مردم هم اولاً مردم بااستعدادی‌اند، ثانیاً جوان در بین اینها زیاد است - جمعیت ما از ۳۵ میلیون در اول انقلاب، حالا تقریباً رسیده به ۸۰ میلیون؛ یعنی جمعیت ناگهان افزایش پیدا کرده است؛ اگرچه علیه آن [هم] دارند کار می‌کنند - استعداد زیاد است؛ شجاع هم هستند،

نترس هم هستند.

خب، وقتی که یک کشوری است که مردم این‌جوری فکر می‌کنند، سردمداران حکومت هم نمی‌ترسند از هیمنه‌ی (۹) جهانی، این برای استکبار یک خطر عمده است،

یک خطر کاملاً بزرگ است. لذا جبهه علیه آن تشکیل می‌شود؛ کما اینکه الان علیه جمهوری اسلامی جبهه تشکیل شده؛ نه حالا [بلکه] از روز اول انقلاب جبهه تشکیل شده؛

یک جبهه‌ی دشمن به‌وجود آمده. آن روز شوروی بود و آمریکا که نقطه‌ی مقابل هم بودند و [اگر] در صد مسئله - با کم و زیادش - با هم اختلاف داشتند اما در مسئله‌ی جمهوری اسلامی و مخالفت با جمهوری اسلامی، همفکر و همدست بودند. یعنی طبیعت

استکبار این است که با یک چنین نظامی دشمنی می کند.

[پس] یک جبهه تشکیل دادند که این جبهه امروز هم وجود دارد و از انواع و اقسام شیوه‌ها هم دارد استفاده می کند؛ همچنان که فرض کنید بیست سال پیش اینترنت نبود، امروز هست؛ ابزارها روزه‌روز دارد پیشرفته می شود. از بیشترین ابزارها و وسیع‌ترین و سریع‌ترین ابزارها علیه جمهوری اسلامی دارند استفاده می کنند؛ جمهوری اسلامی [هم] باید خودش را آماده کند از همه‌ی ابزارها استفاده کند.

[دشمن] از ابزار دیپلماسی استفاده می کند. دیپلماسی، گفتگوی سیاسی، مذاکره‌ی سیاسی، بده‌بستان سیاسی یکی از ابزارها است؛ اینها از آن ابزار استفاده

می کنند. بنده هم با گفتگوی سیاسی مخالف نیستم؛ البته نه با همه - استثناء دارد - بنده در سطح مسائل جهانی، با گفتگوی سیاسی موافقم؛ من در این زمینه‌ها از زمان ریاست جمهوری حرف داشتم و دنبال‌گیری می کردم؛ این جور وانمود نکنند که کأنه ما اصلاً با گفتگو کردن و مانند آن مخالفیم؛ نخیر، ما، هم بیشتر از اینها موافقیم، هم در یک جاهائی بیشتر از اینها بلدیم این کارها را؛ می دانیم هم که چه‌جوری باید عمل کرد. دشمن از گفتگوی سیاسی هم استفاده می کند. باید مراقب بود.

پس، از مذاکره استفاده می کند، از مبادلات اقتصادی استفاده می کند، از تحریم اقتصادی استفاده می کند، از تهدید به جنگ و سلاح استفاده

می کند؛ در مقابل همه‌ی اینها بایستی نیروی دفاعی داشت.

اینکه بعضی‌ها بیایند بگویند «فردای دنیا، فردای مذاکره است، فردای موشک نیست»، این حرف اگر از روی ناآگاهی گفته شده باشد، خب ناآگاهی است، اگر از روی آگاهی گفته شده باشد، خیانت است. چطور [چنین چیزی] ممکن است؟ اگرچنانچه نظام جمهوری اسلامی دنبال علم برود، دنبال فتاوری برود، دنبال مذاکره‌ی سیاسی برود، دنبال کارهای گوناگون تجاری و اقتصادی برود - که همه‌ی اینها لازم است - اما قدرت دفاعی نداشته باشد، توانایی دفاع کردن نداشته باشد، هر بی‌سروپایی و [هر] دولت فرزتی(۱۰) کذائی‌ای او را تهدید می کند که اگر فلان کار را نکردید، ما موشک می زنیم؛ خب اگر شما امکان دفاع نداشته باشید، مجبورید عقب‌نشینی کنید.

قدرتهای دنیا که شما می‌بینید با صدای کلفت حرف می زنند، زور

می گویند، غلط می کنند، حرفهای بد می زنند و زورگوئی می کنند، بیشتر از همه به استناد همان سلاحهائی است که دارند؛ آن وقت ما در مقابل اینها بیائیم دست خودمان را خالی کنیم؟ سپاه که پیشرفتهای موشکی خودش را نشان میدهد، نه فقط مایه‌ی افتخار و مباهات ایرانی‌ها [است، بلکه] وقتی این موشکهای سپاه با این دقت و با این زیبایی آزمایش می شود، خیلی از ملت‌های آزادی‌خواه دُوروبر ما که دلشان از آمریکا و از رژیم صهیونیستی خون است، خوشحال می شوند. وقتی اینها انجام می گیرد، ما بیاییم اینها را بگویم و بگویم آقا! امروز دیگر روز موشک گذشته! نه، روز موشک گذشته. دشمن دائم در حال به‌روز کردن خود و آماده کردن خود است، [بعد] ما اینجا ساده‌لوحانه خودمان را عقب بکشیم و بگوئیم نه. مثل اول انقلاب که همین اف‌چهارده‌های ما را می خواستند بفروشد و می خواستند پس بدهند و بنده نگذاشتم. من خبر شدم که یکی از رجال دولت موقت آن روز گفته است این اف‌چهارده هائی که رژیم طاغوت خریده به درد ما

نمی خورد، می خواهیم چه کار کنیم این اف‌چهارده‌ها را! پس بدهیم بهشان. آنجا خب ما ایستادیم، هیاهو کردیم، مصاحبه کردیم و مقابله کردیم، جرئت نکردند این کار را بکنند؛ می خواستند پس بدهند.

چند صباح بعدش، جنگ ایران و عراق پیشامد کرد و حمله کردند به ما و معلوم شد که ما چقدر احتیاج داریم به همین وسائلی که داریم؛ همین اف‌چهارده و همین اف‌چهار و امثال اینها. امروز هم بعضی‌ها همین آهنگ را پیش گرفته‌اند که موشک چیست، موشک می خواهیم چه کار کنیم، روزگار روزگار موشک نیست! پس روزگار چیست آقا؟

[امروز] روزگار همه‌چیز است. روزگار مذاکره هم هست؛ باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود. اینکه ما مذاکره بکنیم، روی کاغذ بیاوریم، بنویسیم، امضاء کنیم، بعد آنها هم به‌حسب ظاهر یک کاری انجام بدهند منتها تحریم‌ها برطرف نشود و تجارت راه نیفتد، پیدا است که یک اشکالی در آنجا هست؛ نباید بگذاریم این اشکالات به وجود بیاید و در آنجا هم باید خودمان را قوی کنیم. در اقتصاد درون کشور هم همین‌جور؛ ما گفتیم اقدام و عمل. (۱۱) گفتن بس است؛ «دو صد گفته چون نیم‌کردار نیست». وقتی زیاد هم تکرار کردیم و مدام گفتیم اقتصاد مقاومتی، از دهن هم می‌افتد؛ یعنی تکراری که شد،

یک چیز کسالت‌باری هم می شود؛ عمل کنیم. غرض این است که کشور احتیاج دارد.

اینها همه یک طرف قضیه است، کار و تلاشی [هم] که دشمن

می کند برای تغییر باورهای مردم یک طرف قضیه است. اینجا آن وقت شما نقش ایفاء می کنید، نقش پیدا میکنید؛ نقش مهم. شما از مدافع حرم هم که دفاع می کنید، خیلی کار باارزشی است. همین شعرهائی که خوانده شد، همین حرفهائی که زده شد، اینها خیلی باارزش است، در این تردیدی نیست - کمااینکه در دوران دفاع مقدس، همین شعرهائی که خوانده می شد و همین سرودهائی که گفته می شد، خیلی تأثیر داشت؛ این بلاشک امروز هم این تأثیر را دارد - منتها در کنار این یک کاری هست که آن کار اگر اهمیّتش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ و آن تقویت باورهای جوانها است.

دشمن می خواهد باورها را تغییر بدهد؛ باور به اسلام را، باور به کارآمدی نظام اسلامی را، باور به کارآمدی را، باور به امکان

تداوم نظام اسلامی را. برخلاف بدیهیات هم دشمن کار می کند و تبلیغات می کند؛ گاهی علیه یک چیز واضح هم اقدام می کنند و گاهی با خدعه و با فریب و با چشم‌بندی

می خواهند ثابت کنند. نظام اسلامی از روزی که متولد شده تا امروز، دائم در معرض حملات سنگین بوده؛ حملات سنگین نظامی و تبلیغاتی و تحریم و امثال اینها و درعین حال، نظام اسلامی در این ۳۷ سال رشد کرده؛ یعنی یک روز نبوده است که توقف پیدا کند؛ از همه‌جهت رشد پیدا کرده، از همه‌جهت قدرت پیدا کرده و عظمت پیدا کرده. دشمن امروز نگاه می کند و می بیند آن نهال باریک و نازکی که اول انقلاب به وجود آمد، امروز به یک درخت تناور تبدیل شده که «توتی اگله کلّ حین یاذن ربّها»؛ (۱۲) این را دارند جلوی چشمشان می بینند. خب این [نظامی] که این قدر استعداد زنده ماندن، استعداد گسترش یافتن و استعداد قوی شدن در او هست، بعد از این هم همین جور قوی تر خواهد شد، روزبه روز قوی تر خواهد شد. آن چیزهایی که ما برای چشم‌انداز آینده در نظر گرفته‌ایم خیالات نیست، واقعیات است. بنده سه چهار سال قبل از این، به جوانهای دانشجوی و اهل علم گفتم که شما باید کاری کنید که پنجاه سال بعد، اگر کسی خواست به تازه‌های علمی آن روز دست پیدا کند، مجبور بشود بیاید زبان فارسی یاد بگیرد؛ (۱۳) این

می شود، این ممکن است؛ کمالینکه در این ده پانزده سال، حرکت علمی و پیشرفت علمی همانی که گفته بودیم شد. وقتی جوانها همت کنند، وقتی صاحبان همت و اراده همت کنند، همهی کارهای دشوار آسان خواهد شد؛ ما می توانیم پیش برویم. درعین حال، دشمن دارد روی باورهای جوان های ما اثر می گذارد: «آقا چه فایده دارد، نمی شود، فایده‌ای ندارد». اینها آن میدان هائی است که جنگ روانی دشمن در این میدانها است و شما به عنوان مدّاح، می توانید اثر بگذارید، می توانید این جوان را از لحاظ بنیه‌ی فکری تقویت کنید.

این که بنده گاهی اوقات اعتراض می کنم به بعضی از مدّاحی‌ها که مثلاً فرض کنید در عزاداری دهه‌ی محرّم وقتی انسان نگاه می کند - که گاهی می‌آورند عکسهایش را؛ حالا هم که دیگر این وسایل زیاد شده؛ البته بنده ندارم اما گاهی می‌آورند به من نشان

می دهند این عکسها و مانند اینها را - می بیند مثلاً در یک جلسه همه دارند همین‌طور می‌پایین؛ خب، این چه فایده‌ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری است؟ اینکه من اعتراض می کنم، از هیجان جوانها بنده ناراحت نیستم؛ خب جوان اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائماً دلش می خواهد انرژی خودش را تخلیه کند؛ من از این باب [میگویم] که این وظیفه‌های بزرگ زمین نماند. وقتی که در یک جماعتی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند و دلشان را دادند به شما، شما میتوانید با یک اجرای عالی، هنرمندانه و پُر مغز، اینها را تبدیل کنید به انسانهای کارآمدی که با عزم جزم بروند دنبال کار، می توانید هم تبدیل کنید به آدمهای بی‌خیال، بی‌فکر، ناامید و از لحاظ معنوی تهیدست؛ این کار را هم می شود کرد. شما از این فرصت استفاده کنید و آن شقّ اول را انتخاب کنید. حرف من این است.

مدّاحی ضمن اینکه مدح بهترین خلایق عالم است - موضوعش مدح بهترین خلایق عالم است که اهل بیت (علیهم‌السلام) باشند لذا شأن و رفعت والائی دارد؛ مدّاحی به‌طور طبیعی این است - اما شما نگاه کنید ببینید مثلاً شاعری مثل دعبل خزاعی در قصیده‌ی «مدارس آیات» چه دارد می گوید؛ قصیده‌ی «مدارس آیات» آن قصیده‌ای [است] که حضرت [رضا (سلام‌الله‌علیه)] تشویق کردند و به او کسوه (۱۴) دادند و صله دادند. این قصیده‌ای است که اصلاً بساط بنی‌عبّاس را، فلسفه‌ی وجودی بنی‌عبّاس را زیر سؤال می برد و آنها را محکوم می کند؛ یعنی سیاسی محض است؛ فقط این نیست که

یک روضه‌خوانی محض و مرثیه‌خوانی محض باشد؛ نه، مرثیه‌خوانی لازم است اما همان کاری که در کنار مرثیه‌خوانی انجام می گرفته، مورد توجّه ائمه (علیهم‌السلام) است. قصیده‌ی دعبل، قصیده‌ی گمیت، قصائد گوناگون که شعرای آن وقت می گفتند، دیگران هم می خواندند و انشاد

می کردند یعنی مثل شما که با صدا می خوانید، چه خود شاعر، چه دیگری، می‌آمدند و آنها را با صدا برای مردم می خواندند؛ وسائل تبلیغات جمعی عبارت بود از همینها؛ امروز شما از همینها

می توانید استفاده کنید؛ از وسائل تبلیغات جمعی بهره‌مند بشوید و مردم را هدایت کنید؛ این به نظر من کار بسیار اساسی‌ای است.

معروف است که می گویند شرف هر علمی بستگی دارد به شرف موضوع آن علم؛ هر علمی که موضوع آن شرافت بیشتری دارد، آن علم هم شرافت بیشتری دارد. حالا اگر این را از علم به مشاغل تسرّی بدهیم، موضوع مشغله‌ی شما و کار شما و همت شما عبارت است از مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) و بصیرت‌افزائی و بیدارگری مستمعین؛ بالاترین چیزها است، خیلی باارزش است، از این ارزش استفاده کنید.

بحمدالله جمعیت مدّاحها هم زیاد است؛ حالا این جماعتی که امروز اینجا تشریف آوردید که جماعت قابل توجّهی است لکن تعداد خوانندگان مدّاح در سرتاسر کشور بیش از اینها است؛ تعداد در همه‌جا بحمدالله خیلی زیاد است؛ افرادی هستند که علاقه‌مندند و به این کار می پردازند؛ به‌رحال این یک رسالت بسیار مهم است، به این رسالت باید اهمّیت بدهید.

البته نقش مهمی هم شعرا ایفاء می کنند؛ شعرا که شعر را می سازند نقش مهمی را ایفاء می کنند؛ منتها شعر بدون اجرای خوب تأثیرش کم است و شما که آن اجرای عالی را، اجرای خوب را انجام می دهید، آن وقت تأثیر می گذارد. امیدواریم خدای متعال به شماها توفیق بدهد، به ما هم توفیق بدهد و اول بتوانیم آنچه وظیفه‌مان است

تشخیص بدهیم و بفهمیم و بعد هم ان شاءالله آن را عمل کنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله

۱) در ابتدای این دیدار، شماری از مداحان و شعرا با قرائت اشعار، به ذکر فضائل و محامد فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) پرداختند.

۲) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳؛ «خداوند شما را به صورت نورهایی آفریده و گرداگرد عرش خود قرار داده.»

۳) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۱؛ «برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را مثل آورده ...».

۴) سوره‌ی تحریم، بخشی از آیه‌ی ۱۲؛ «و مریم دخت عمران را ...».

۵) کامل‌الزّیّا را ت، ص ۳۱۰؛ «خدایا درود بفرست بر فاطمه دختر پیغمبرت.»

۶) من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۳

۷) اشاره به بی‌تی از وثوق‌الدّوله؛ «آنکه بسنجید رُخت را به ماه ز اشتباه / گفت که هم‌سنگ ترازوی توست

از تو کاست»

۸) بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدّس (۱/۱/۱۳۹۵)

۹) هیبت، عظمت (۱۰) کوچک، ناچیز

۱۱) اشاره به شعار سال ۱۳۹۵: «اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل»

۱۲) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد ...»

۱۳) از جمله بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان (۱۷/۷/۱۳۹۲)

۱۴) جامه و لباس.